

جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا تحلیل مشکلات و ارائه راهکاری جدید



وهاب قلیچ*



۱. مقدمه

اخذ جریمه دیرکرد بازپرداخت تسهیلات بانکی از جمله مباحث حاشیه‌ساز و جنجالی در دوران پس از انقلاب به‌شمار می‌آید. با وجود اظهارنظرها و مباحث فراوان فقهی، حقوقی و اقتصادی حول موضوع، هنوز این امر قابل مناقشه و دارای ابهام است.

۲. اثرات منفی عدم بازپرداخت مطالبات در سررسید

به تأخیرافتادن ادای تعهدات و بازپرداخت بدهی‌ها و مطالبات بانکی عوارض سوء و ناخوشایند زیادی را به بار می‌آورد. در یک تقسیم‌بندی

تأخیر در ادای بدهی‌ها و تعهدات بانکی از جمله مسائلی است که کم و بیش در هر نظام اقتصادی قابل مشاهده می‌باشد. علل مختلفی برای این تأخیر قابل بیان است. اعسار و ناتوانی، سهل‌انگاری، تخلف به منظور استفاده بیشتر از منابع و کسب سود بالاتر، طولانی‌شدن روند به‌ثمررسیدن طرح‌های اقتصادی و به‌تعویق‌افتادن بازدهی طرح‌ها، عدم ادای بدهی افرادی که به فرد بدهکار از نظام بانکی بدهکار می‌باشند، تغییرات ناگهانی شرایط تجاری، اقتصادی، قانونی و سیاسی که همگی از موجبات تأخیر در بازپرداخت مطالبات بانکی می‌باشند.

* کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی.

ساده می‌توان این عوارض را در پنج دسته ذیل بیان نمود:

۱-۲. گسترش تخلفات، کاهش رفاه جامعه و سلب اعتماد

عمومی

از آنجا که وضعیت بازار به گونه‌ای است که طلبکاران خود به افراد دیگری بدهکار هستند، هرگونه تعویق و تأخیر در وصول مطالبات موجب تخلف و نقض تعهدات دیگر شده و استمرار و گسترش این امر موجب سلب اعتماد عمومی نسبت به قراردادهای بلندمدت می‌شود. همچنین تداوم این روند موجب می‌شود که مشتریان خوش حساب نیز به سمت بدحسابی گرایش یابند، زیرا اینان مشاهده می‌نمایند که بانک‌ها تفاوت قابل توجهی بین مشتریان خود قائل نمی‌شوند.

۲-۲. اخلال در برنامه‌ریزی بانک‌ها

بانک‌ها بر اساس میزان و سررسید مطالبات خود به ایجاد تعهد برای خود اقدام می‌نمایند. بدیهی است تأخیر در وصول مطالبات از بدهکاران، موجب به‌هم‌ریختگی و اخلال در برنامه‌ریزی‌های بانک‌ها می‌شود که حداقل اثر آن افزایش ذخایر اضافی جهت احتیاط، کاهش سودآوری و کارایی و کاهش میزان وام‌دهی نظام بانکی می‌باشد.

۳-۲. تبعیض در اخذ تسهیلات بانکی

با افزایش مطالبات وصول نشده، بانک‌ها ضامن و وثیقه سنگین‌تری را مطالبه می‌کنند که این امر به صورت غیرمستقیم افراد ضعیف را، که دسترسی به ضامن قدرتمند ندارند، از دریافت تسهیلات منع نموده و حجم تسهیلات را به سمت طبقات ثروتمند جامعه، که از ضمانت و وثایق معتبری برخوردارند، منحرف می‌کند.

۴-۲. خسارت اقتصادی بانک‌ها

این خسارت‌ها شامل هزینه‌های مالی و زمانی پیگیری قضایی مطالبات معوق، کاهش ارزش بدهی‌ها به علت وجود تورم، هزینه فرصت‌های استفاده از وجوه بدهی‌ها به واسطه به‌کارگیری آنها در پروژه‌ها و عقود بانکی دیگر می‌باشد. همچنین در صورت انباشته شدن بیشتر بدهی‌ها و بالا رفتن احتمال ورشکستگی بانک، هزینه‌های از دست دادن اعتبار و سوخت شدن هزینه‌های تبلیغات نیز به این خسارت‌ها افزوده می‌شود.

۵-۲. افزایش سود تسهیلات بانکی

با افزایش مطالبات وصول نشده، بانک‌ها برای جبران هزینه‌ها و خسارت‌های خود به افزایش نرخ سود تسهیلات رو می‌کنند، زیرا یکی از ارقام تشکیل دهنده نرخ سود تسهیلات، درصد مطالبات سوخت شده و معوق است. این موضوع علاوه بر آنکه به تقاضاکنندگان تسهیلات هزینه‌های مازادی را تحمیل می‌کند، در عرصه رقابت نظام بانکی نیز

ایجاد اختلال می‌نماید (موسویان، ۱۳۸۵).

۳. وضعیت مطالبات وصول نشده بانکی

مطالبات بانکی از لحاظ تأخیر در پرداخت به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند، گروه‌های مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول از مهم‌ترین گروه‌ها می‌باشند. مطالبات سررسید گذشته، مطالباتی هستند که از تاریخ سررسید اصل و سود یا تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آن بیش از دو ماه گذشته و هنوز از شش ماه تجاوز نکرده باشد. مطالبات معوق مطالباتی هستند که بیش از شش ماه و کمتر از هجده ماه از تاریخ سررسید یا تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آن سپری شده است. مطالبات مشکوک‌الوصول نیز مطالباتی هستند که بیش از هجده ماه از تاریخ سررسید یا از تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آن سپری شده باشد.

کل مطالبات شبکه بانکی تا پایان سال ۱۳۸۸ حدود ۴۰۵ هزار میلیارد ریال بوده که ۵۰ درصد از آن مربوط به مطالبات مشکوک‌الوصول، حدود ۲۹ درصد مربوط به مطالبات معوق و همچنین نزدیک به ۲۱ درصد مختص به مطالبات سررسید گذشته می‌باشد. نکته دیگر آن است که در این سال، از مجموع ۱۸ بانک، مطالبات مشکوک‌الوصول ۱۱ بانک بیش از سایر مطالبات در سایر گروه‌هاست که از این تعداد، ۱۰ بانک دولتی بوده و تنها یک بانک خصوصی است. تنها بانک دولتی که اکثر مطالباتش مشکوک‌الوصول نیست، پست‌بانک است که سهم کوچکی در شبکه بانکی دارد. این امر نشان دهنده این واقعیت است که از به تأخیر افتادن مطالبات بانک‌های خصوصی بیشتر از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه می‌گذرد، در حالی که از تاریخ تأخیر در پرداخت مطالبات در بانک‌های دولتی ۱۸ ماه و یا بیش از آن می‌گذرد.^۱

۴. مروری بر مناقشات و تحولات قانونی جواز اخذ جریمه تأخیر

پس از تأسیس بانک سپه، به‌عنوان اولین بانک ایرانی در سال ۱۳۰۴، در سال ۱۳۰۷ بانک ملی ایران تأسیس شد و سپس بانک‌های دیگر در سال‌های بعد تشکیل گردیدند. با توجه به اینکه در آن زمان اهم فعالیت بانک را جذب سپرده و اعطای وام به مشتریان تشکیل می‌داد و همچنین به علت نبود ماده قانونی، بخشی از وام‌های اعطایی با مشکل عدم بازپرداخت مواجه شدند. از این رو در سال ۱۳۱۸ با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی میزان خسارت تأخیر تأدیه و چگونگی مطالبه آن پیش‌بینی گردید و بر اساس این قانون بانک‌ها به وصول مطالبات و

جدول ۱- نسبت مطالبات سررسید گذشته و معوق به تسهیلات اعطایی بانک‌های تجاری و تخصصی

سال	(۱) تسهیلات اعطایی تبصره‌ای بانک‌های تجاری و تخصصی به بخش‌های دولتی و غیردولتی (میلیارد ریال)	(۲) مطالبات سررسید گذشته تبصره‌ای بانک‌های تجاری و تخصصی (میلیارد ریال)	(۳) مطالبات معوق تبصره‌ای بانک‌های تجاری و تخصصی (میلیارد ریال)	درصد	
				نسبت (۲) به (۱)	نسبت (۳) به (۱)
۱۳۷۸	۳۵,۰۰۶	۸۶۸	۷۸۳	۲/۴۸	۲/۳۴
۱۳۷۹	۴۳,۲۵۱	۱,۰۸۶	۱,۱۲۱	۲/۵۱	۲/۵۹
۱۳۸۰	۵۴,۱۷۷	۲,۰۶۹	۱,۶۴۲	۳/۸۲	۳/۰۳
۱۳۸۱	۷۴,۴۵۱	۲,۷۵۲	۲,۲۹۷	۳/۷۰	۳/۰۹
۱۳۸۲	۷۹,۸۱۲	۲,۵۵۳	۳,۰۰۸	۳/۲۰	۳/۷۷
۱۳۸۳	۸۷,۲۳۶	۱,۸۲۳	۶,۵۹۷	۲/۰۹	۷/۵۶
۱۳۸۴	۱۰۱,۹۲۲	۲,۲۲۸	۶,۸۶۷	۲/۱۹	۶/۷۴
۱۳۸۵	۱۳۶,۲۶۴	۲,۷۵۰	۹,۵۱۴	۲/۰۲	۶/۹۸
۱۳۸۶	۱۷۰,۹۶۵	۳,۳۳۰	۸,۴۱۱	۱/۹۵	۴/۹۲
۱۳۸۷	۱۸۸,۹۱۶	۳,۴۳۴	۱۴,۲۷۰	۱/۸۲	۷/۵۵

منبع: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

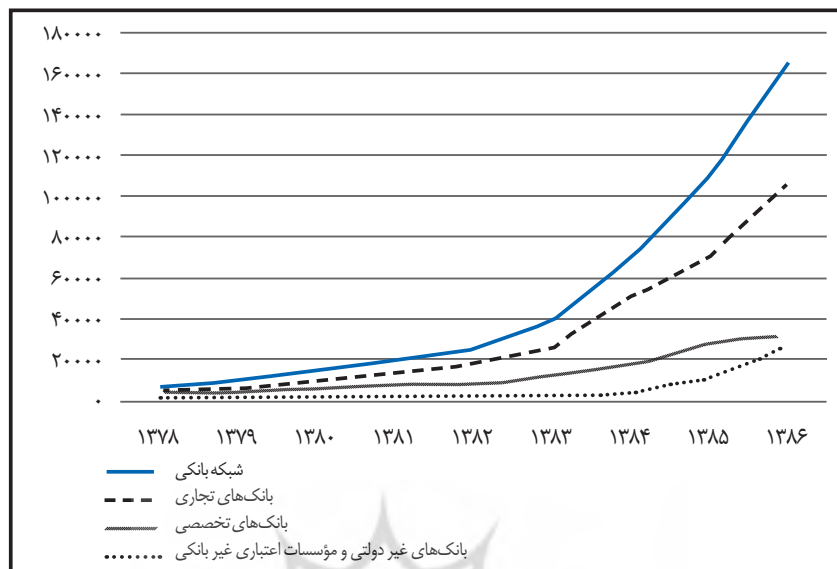
جدول ۲- میزان و نسبت مطالبات سررسید گذشته و معوق به تفکیک بانک‌های تجاری، تخصصی و مؤسسات اعتباری غیربانکی

(میلیارد ریال)

سال	بانک‌های تجاری (۱)	بانک‌های تخصصی (۲)	بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی (۳)	کل (۴)	درصد		
					نسبت (۱) به (۴)	نسبت (۲) به (۴)	نسبت (۳) به (۴)
۱۳۷۸	۴,۳۹۱	۲,۵۶۸	۰	۶,۹۵۹	۶۳/۱	۳۶/۹	۰/۰
۱۳۷۹	۵,۵۷۲	۳,۹۷۶	۶	۹,۵۵۴	۵۸/۳	۴۱/۶	۰/۱
۱۳۸۰	۸,۱۵۳	۶,۴۳۲	۲۱	۱۴,۶۰۶	۵۵/۸	۴۴/۰	۰/۱
۱۳۸۱	۱۲,۳۳۶	۷,۱۸۹	۸۰	۱۹,۶۰۵	۶۲/۹	۳۶/۷	۰/۴
۱۳۸۲	۱۷,۸۱۶	۷,۱۷۹	۲۸۰	۲۵,۲۷۵	۷۰/۵	۲۸/۴	۱/۱
۱۳۸۳	۲۵,۶۸۴	۱۲,۶۳۰	۱,۳۲۹	۳۹,۶۴۳	۶۴/۸	۳۱/۹	۱/۷
۱۳۸۴	۵۰,۱۵۹	۱۶,۳۰۷	۳,۳۵۴	۶۹,۸۲۰	۷۱/۸	۲۳/۴	۳/۴
۱۳۸۵	۷۰,۳۱۲	۲۸,۰۹۳	۱۰,۵۱۱	۱۰۸,۹۱۶	۷۱/۸	۲۳/۴	۴/۸
۱۳۸۶	۱۰۵,۷۳۶	۳۲,۱۲۶	۲۶,۰۷۱	۱۶۳,۹۳۴	۶۴/۶	۲۵/۸	۹/۷

منبع: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

نمودار ۱- روند مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی



منبع: اطلاعات جدول ۲.

جریمه دیرکرد آن اقدام نمودند.

طبق ماده ۷۱۹ تا ۷۲۶ این قانون، خسارت تأخیر تأدیه ۱۲ درصدی برای یک‌سال در تمام امور مربوط به دیون برقرار شد. همچنین بر اساس آن، در شرایط اقامه دعوی علیه شخص بدهکار و محکومیت او، وی می‌بایست تمام هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله را به بانک پرداخت می‌کرد؛ از این رو مشتریان همواره سعی می‌کردند در سررسید وام، به بازپرداخت آن اقدام نمایند تا مشمول هزینه‌های فوق نگردند. در نتیجه با توجه به ضمانت اجرای قوی بانک‌ها مطالبات بلاوصول چندانی به وجود نمی‌آمد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲).

پس از پیروزی انقلاب بر اساس استفتائات انجام‌شده، شورای نگهبان قوانین مربوط به اخذ خسارت تأخیر تأدیه را غیرشرعی اعلام نمود. از آن جمله می‌توان به نظریه‌های شماره ۹۴۹۹ مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۵، ۳۸۴۵ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۲ و ۷۶/۲۱/۵۱۲ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱ اشاره کرد. این در حالی بود که شورای نگهبان در پاسخ به سؤال بانک مرکزی (به شماره ۴۰۹۵ / ۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸) خسارت تأخیر تأدیه را در قالب شرط ضمن عقد پذیرفته بود. بعد از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲، نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی، ماده‌ای را به‌عنوان شرط ضمن عقد در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌گردد در صورت تأخیر در پرداخت بدهی، مبلغ معادل ۱۲ درصد اصل بدهی

را به‌عنوان جریمه تأخیر به بانک پرداخت نماید.

مشکل باقی‌مانده مربوط به قراردادهایی بود که قبل از این قانون منعقد شده بودند. با ارسال نامه شورای نگهبان به بانک مرکزی مبنی بر لزوم خودداری بانک‌ها از مطالبه زائد بر مبلغ اصل بدهی به‌عنوان خسارت تأخیر تأدیه برای معاملاتی که قبل از قانون جدید به‌طور ربوی انجام شده است، بانک‌ها از گرفتن جریمه دیرکرد از قراردادهای سابق منع شدند. این مورد باعث شد بسیاری از افرادی که وام‌های کلان گرفته بودند حاضر به بازپرداخت وام‌ها نباشند.

با اعتراض بانک‌ها و بالاگرفتن مناقشات، مجمع تشخیص مصلحت نظام در پنجم دی ماه ۱۳۶۸ مصوبه‌ای را با عنوان «قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها» به تصویب رساند که در تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ به تأیید مقام معظم رهبری رسید. طبق این مصوبه، کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانک‌ها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا - مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ مجلس شورای اسلامی - به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخته‌اند (اعم از آنکه قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد) و مقرر بوده که بدهکار در سررسید معین تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل، سود و سایر متفرعات مسترد دارد، بر اساس مقررات و شرایط زمان، قابل مطالبه و وصول است. با این مصوبه، مشکل مربوط به دیون قبل از تصویب بانکداری بدون ربا نیز حل شد (رضایی، ۱۳۸۱). در چند سال اخیر، دوباره مباحث مربوط به جواز و یا عدم جواز

برای تسهیلاتی که پس از ۶ ماه از ابلاغ این آیین‌نامه بررسی می‌شود ممنوع گردیده و به جای آن، این مؤسسات موظفاند تا با استفاده از تنبیهاتی که شرح آن در مصوبه موجود است از افزایش مطالبات تأخیری جلوگیری نمایند.

اما پس از گذشت مدت زمانی نه‌چندان طولانی، مسئولان بانک مرکزی از برقراری مجدد جرائم دیرکرد و حتی تشدید آنها خبر دادند و به این ترتیب این مسأله چالش‌برانگیز دوباره در کانون توجه قرار گرفت.^۲ همچنین در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱ هیأت وزیران آیین‌نامه جدیدی را با ۲۶ ماده تصویب نمود. این آیین‌نامه که جایگزین آیین‌نامه مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ شده بود دوباره جواز اخذ جریمه دیرکرد را برای کلیه مؤسسات اعتباری اعلام نمود. طبق ماده ۱۴ این آیین‌نامه «مؤسسات اعتباری موظفاند به منظور کاهش مطالبات معوق و افزایش امکان وصول اقساط، از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه، قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی را به گونه‌ای منعقد نمایند که مشتری، افراد تحت تکفل وی، ضامن و یا ضامنین با شرط ضمن عقد به‌طور غیرقابل رجوع به مؤسسه اعتباری، اختیار دهد که هرگونه مطالبات خود اعم از مستقیم و

◆◆ اخذ جریمه دیرکرد بازپرداخت تسهیلات بانکی از جمله مباحث حاشیه‌ساز و جنجالی در دوران پس از انقلاب به‌شمار می‌آید. با وجود اظهارنظرها و مباحث فراوان فقهی، حقوقی و اقتصادی حول موضوع، هنوز این امر قابل مناقشه و دارای ابهام است

◆◆ اخذ جریمه دیرکرد مطرح شده است. برخی از مراجع تقلید نیز در جواب استفتائات پیرامون حلیت و یا حرمت اخذ جریمه دیرکرد، حکم به حرمت آن داده‌اند (موسویان، ۱۳۸۹). در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ هیأت وزیران آیین‌نامه سی ماده‌ای را تحت عنوان «وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول مؤسسات اعتباری (ریالی و ارزی)» تصویب نمود. بر اساس ماده ۳ این آیین‌نامه، دریافت جریمه دیرکرد توسط مؤسسات اعتباری شامل کلیه بانک‌های دولتی، غیردولتی و سایر مؤسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی،



تفاوتی بین افراد توانا و ناتوان در بازپرداخت بدهی‌ها قائل نمی‌شود. * بانک‌های طلبکار با به‌اجرا گذاشتن ضمانت‌ها در محاکم قضایی نهایتاً می‌توانند به هزینه‌های مستقیم دادرسی دست یابند، اما خسارت‌های دیگر چون کاهش ارزش پول و ازدست رفتن منافع مورد انتظار از جمله مواردی است که در این روش برای بانک‌ها جبران نمی‌شود.

۲-۵. اشتراط خسارت تأخیر

برخی کارشناسان لزوم جبران خسارت وارده بر طلبکاران را برای جواز اخذ جریمه تأخیر تأدیه، مطرح نموده‌اند. اینان معتقدند طلبکار حق دارد خسارت‌های وارده از ناحیه تأخیر تأدیه، به‌ویژه خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، را از تأخیرکننده دریافت کند. در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی که در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۱ به تصویب مجلس رسیده، چهار شرط برای امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه مقرر شده است: نخست آنکه موضوع تعهد، وجه نقد رایج باشد؛ دوم آنکه طلبکار، بدهی را مطالبه کرده باشد؛ سوم آنکه مدیون، متمکن از پرداخت باشد و از ادای دین خودداری کرده باشد و چهارم آنکه ارزش پول در فاصله سررسید تا زمان پرداخت، تغییر فاحش کرده باشد (وحدتی شبیری، ۱۳۸۲). اما این راهکار با مشکلاتی همراه است:

- این راهکار از جهت فقهی محل بحث است، زیرا از سویی برخی از فقها با تفکیک میان «وجه التزام» و «ربا» درج شرطی در ضمن عقد به منظور الزام مدیون به رعایت زمان سررسید را مشروع دانسته‌اند؛ عده‌ای نیز به فرض آنکه شرط ضمن عقد خارج لازم باشد آن را پذیرفته‌اند، همچنین برخی از فقیهان هم مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را در فرض کاهش شدید ارزش پول و تمکن مدیون از ادای دین در سررسید، پذیرفته‌اند (وحدتی شبیری، ۱۳۸۲). از سوی دیگر برخی فقها با اعتقاد به مثلی بودن پول، بیان داشته‌اند که گیرنده، ضامن قدرت خرید نبوده و تنها ضامن همان مقداری است که در ابتدا گرفته است و طلبکار فقط همان مبلغ را می‌تواند از وی مطالبه نماید و حق مطالبه بیش از آن را ندارد و کاهش یا افزایش قدرت خرید پول تأثیری در حکم مذکور ندارد (موسویان، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹). از مجموع نظریات موافق و مخالف اخذ خسارت تأخیر تأدیه می‌توان چنین دریافت که همه فقها در جبران خسارت وارده به متضرر به استناد قاعده فقهی «لاضرر» متفق بوده و اختلافی در این بین وجود ندارد. اما آنچه مورد اختلاف است مفهوم خسارت تأخیر تأدیه است. مشهور فقهای امامیه طبق «عدم النفع لیس بالضرر»، خسارت تأخیر تأدیه را ضرر ندانسته

سندوق به بانک‌ها اجازه می‌دهد متناسب با میزان بدهی تأخیرشده و مدت تأخیر از این صندوق وام قرض الحسنه دریافت کنند

یا غیرمستقیم را پس از سررسید و در صورت عدم پرداخت، از موجودی هر یک از حساب‌ها (ریالی و ارزی)، اموال و اسناد آنان نزد مؤسسه اعتباری و یا سایر مؤسسات اعتباری رأساً و بدون نیاز به حکم قضایی یا اجرائی برداشت نموده و به حساب بدهی مشتری منظور نماید...»^۲

۵. راه‌حل‌های پیشنهادشده در بانکداری بدون ربا

۱-۵. وثیقه و ضمانت

یکی از راه‌حل‌های پیشنهادشده برای جلوگیری از تأخیر تأدیه بدهی‌ها توسط متقاضیان تسهیلات، اخذ وثایق و ضمانت‌های مختلف است. این موارد باعث می‌شود که در صورت عدم تأدیه در سررسید بدهی‌ها، بانک‌ها با استفاده از آنان به طلب خود دست یابند. این روش گرچه به تنهایی از لحاظ شرعی صحیح است و مورد تأیید روایات و فتاوی فقهی بزرگوار قرار دارد (موسویان، ۱۳۸۵)، اما مشکلاتی را نیز به‌وجود می‌آورد:

* با توجه به شرایط دستگاه قضایی و اطاله دادرسی‌ها، به‌اجرا گذاشتن ضمانت‌ها نیازمند صرف هزینه‌های زیادی بوده که این امر از کارایی و سوددهی بانک‌ها می‌کاهد؛

* بخشی از مطالبات بانکی مربوط به مطالبات جاری است. از آنجا که به هیچ‌وجه به‌اجرا گذاشتن وثایق و ضمانت‌های بانکی برای این دسته از مطالبات به‌صرفه نیست، مسلماً با حذف جریمه تأخیر تأدیه، حجم این دسته از مطالبات بالا می‌رود؛

* حذف جریمه دیرکرد و اکتفانمودن به ضمانت‌ها موجب می‌شود که با افزایش حجم مطالبات، بانک‌ها اعطای تسهیلات را به ضمانت‌های سنگین منوط کرده و این کار عملاً طبقات پایین جامعه را، که دسترسی چندانی به وثیقه و ضمانت معتبر ندارند، در دریافت تسهیلات با محدودیت مواجه می‌سازد؛

* گروهی از بدهکاران که در بازپرداخت بدهی به نظام بانکی دچار تأخیر می‌شوند، افرادی معسر و ناتوان هستند که لازم است به جهت اعسار و ناتوانی‌شان به آنان مهلت داده شود. این روش هیچ

در چند سال اخیر دوباره مباحث مربوط به جواز و یا عدم جواز اخذ جریمه دیرکرد مطرح شده است

و در نتیجه به جبران آن قائل نیستند و معتقدند چنانچه وجهی از این بابت از متعهد اخذ شود، ربا و حرام است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲). همچنین با نگاهی به نظریات فقهای اهل تسنن درمی‌یابیم که بیشتر آنان نیز به عدم جواز جبران خسارت با تعیین اولیه آن اعتقاد دارند (رضایی، ۱۳۸۱).

- این خسارت‌ها عمدتاً برای جبران کاهش ارزش پول در شرایطی که تغییر فاحشی در این ارزش به وجود آمده باشد مطرح است و هزینه فرصت‌ها و منافع ازدست‌رفته را، که می‌توانست از به‌کاربردن آن وجوه در فعالیت‌های دیگر برای طلبکار ایجاد شود، لحاظ نمی‌نماید. از این رو، اولاً خسارت‌های واقعی طلبکاران جبران نمی‌شود و ثانیاً در صورتی که بدهکار بتواند از بدهی‌های مذکور بیشتر از نرخ تورم برای خود درآمدزایی داشته باشد، مسلماً به تأخیر تأدیه بدهی‌های خود ادامه خواهد داد.

- در بُعد کلان، افزایش مطالبات جاری (که از سررسید آنان دو ماه گذشته است)، علاوه بر آنکه بانک‌ها را از استفاده از وجوه تأخیری منع می‌کند، آنان را با مشکلات برنامه‌ریزی نیز مواجه می‌سازد؛ بنابراین نمی‌توان به راحتی از جریمه دیرکرد این دسته از مطالبات گذشت. اما از سوی دیگر، اخذ جریمه تأخیر تأدیه مطالبات جاری که گاهی برای تأخیرهای یک روزه نیز به اجرا در می‌آید نمی‌تواند ذیل این راهکار بگنجد، زیرا از لحاظ حقوقی این جبران خسارت تنها در زمانی صحیح است که تغییر فاحش در ارزش پول رخ داده باشد، حال آنکه بعید است مطالبات جاری تحت این عنوان قرار گیرند.

- این راهکار نیز همانند راهکار پیشین تفاوتی بین افراد معسر و افراد توانا قائل نمی‌شود.

۳-۵. اشتراط به صورت شرط ضمن عقد

۳-۵-۱. شرط پرداخت جریمه دیرکرد

مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی مبلغی را به‌عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد. این راهکار با مشکلات ذیل مواجه است:

- این راهکار گرچه مورد تأیید شورای نگهبان بوده و نظام بانکی ایران به استناد آن عمل می‌کند، لکن از جهت فقهی محل بحث است (رضایی، ۱۳۸۱) و فقها نسبت به جواز آن شبهاتی را وارد دانسته‌اند (وحدتی شبیری، ۱۳۸۲)، موسویان (۱۳۸۴)، (۱۳۸۵) و (۱۳۸۹). تحلیل فقهی این موضوع^۴ نشان می‌دهد که هر شرط ضمن عقدی که اولاً مخالف مقتضای عقد نباشد، ثانیاً مخالف کتاب و سنت نباشد و ثالثاً مورد توافق طرفین باشد، صحیح و همانند عقد لازم‌الوفاست (تسخیری، ۱۳۸۲). شبهات وارده به این راهکار عموماً مربوط به شرط دوم می‌شود. احتمال وقوع ربای قرضی، ربای جاهلی (به معنای افزایش میزان دین در مقابل تمدید مدت)^۵ و نیز احتمال به‌کارگیری حيله برای دریافت ربا از جمله مواردی است که چنین شبهاتی را ایجاد نموده است.^۶
- این راهکار نیز همانند راهکارهای گذشته تفاوتی بین افراد معسر و ناتوان و افراد توانا قائل نمی‌شود.

۳-۵-۲. شرط پرداخت قرض بدون بهره

پیشنهاد دیگری که ذیل همین راهکار مطرح می‌شود آن است که گیرنده تسهیلات بانکی ضمن قرارداد شرعی متعهد شود که چنانچه در پرداخت بدهی خود تأخیر نماید، به همان میزان و به اندازه همان مدت تأخیر، قرض بدون بهره در اختیار طلبکار بگذارد (زرقاء، ۱۴۱۱ ق). این پیشنهاد نیز با مشکلاتی مواجه است:

- از آنجا که شرط اعطای قرض بدون بهره از دید عرف ارزش مالی دارد و از نظر فقها زیاده حکمی و ربا محسوب می‌شود، این راهکار نیز از جهت شبهات شرعی شبیه راهکار شرط پرداخت جریمه دیرکرد در ضمن قرارداد است (موسویان، ۱۳۸۵).
- این راهکار نیز همانند راهکارهای گذشته تفاوتی بین افراد معسر و ناتوان و افراد توانا قائل نمی‌شود.
- با توجه به تغییرات ارزش پول و وجود ریسک‌های پیرامون آن، این خطر به وجود می‌آید که بدهکاران در زمانی که نرخ بهره بالاست از تأدیه بدهی‌ها امتناع کرده و در زمانی که این نرخ پایین است به اعطای قرض (به همان میزان بدهی تأخیری و مدت تأخیر) روی آورند.

- روش سوم و خصوصاً روش چهارم از لحاظ جواز شرعی محل تردید جدی می‌باشد (موسویان، ۱۳۸۵).

- از آنجا که جریمه تعزیرات به طلبکار داده نمی‌شود، در روش‌های اول و دوم با واریز این مبالغ به حساب بیت‌المال و یا صندوق‌های خیریه، خسارت‌های بانک‌های طلبکار که در اثر تأخیر در تأدیه مطالبات به آنان وارد آمده به هیچ عنوان جبران نمی‌شود و این امر از سودآوری و کارایی بانک‌ها می‌کاهد.

- روش‌های اول تا سوم به علت تشکیل پرونده قضایی زمان‌بر و پرهزینه است.

- گرچه در سه روش اول، فرد تأخیرکننده معسر می‌تواند شواهد و قرائنی را به محاکم قضایی ارائه کند و ناتوانی و اعسار خود را ثابت کرده و جریمه‌های دیرکرد وی بخشیده شود (القری بن عید، ۱۳۸۴) ولی در روش چهارم که تعزیری مبتنی بر تفویض اختیار به خود بانک‌ها است، چنین امکانی وجود ندارد. به عبارتی در حالی که تناسب خطا (تعمدی یا سهوی بودن تأخیر، توانا و ناتوان بودن متخلف و غیره) و نوع و میزان تعزیر بسیار مهم است، بانک‌ها تفکیکی در این زمینه انجام نمی‌دهند که این با هدف تعزیرات همخوانی ندارد.

- در روش سوم که بانک‌ها در صورت مواجهه با تأخیر بازپرداخت بدهی‌ها بلافاصله طلب خود را از صندوق گرفته و اخذ اصل بدهی و جریمه دیرکرد از بدهکاران را به صندوق وامی‌گذارند، این خطر وجود دارد که این بانک‌ها به دلیل اطمینان از آنکه پرداخت به موقع و یا با تأخیر بدهی‌ها هیچ خللی به کار آنان وارد نمی‌سازد، اولاً در دریافت ضمانت و وثیقه از مشتریان دقت کافی از خود نشان ندهند، ثانیاً با تباثی با برخی از مشتریان بدحساب، آنان را مشمول اعطای تسهیلات قرار داده و در زمان سررسید با خیالی آسوده معادل بدهی را از صندوق گرفته و احیای اصل بدهی و جریمه دیرکرد آن را بر دوش صندوق دولتی محول سازند و ثالثاً بانک‌ها به افراد پریسک که در پروژه‌های پرخطر سرمایه‌گذاری می‌کنند و همچنین افرادی که احتمال می‌دهند درآمدزایی‌شان از دیون در مدت تأخیر به مراتب بیشتر از میزان جریمه‌هاست، به راحتی اعطای تسهیلات نمایند و به این طریق بر حجم مطالبات معوق بیفزایند.

۶. راهکار پیشنهادی جدید

با توجه به آنکه راهکارهای جبران خسارت و شرط ضمن عقد محل اختلاف و بحث فقهی می‌باشند، می‌توان فارغ از این دو راهکار تنها

می‌توان برای هر فرد تسهیلات‌گیرنده یک کارنامه ایجاد نمود. این کارنامه بیانگر سابقه تسهیلات دریافتی و تأدیه آنان است

۴-۵. تعزیر مالی فرد تأخیرکننده در تأدیه مطالبات

بر بدهکار توانا واجب است بدهی خود را در سررسید بپردازد. از آنجا که عدم پرداخت بدهی، خسارات و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی را به کل جامعه وارد می‌سازد، ممانعت تعمدی فرد توانا از بازپرداخت بدهی‌ها جرم بوده و حاکم شرع می‌تواند برای حفظ مصالح اجتماع، او را مجازات و تعزیر نماید. نکته مهم آن است که مبلغ این مجازات و جریمه مالی به طلبکار داده نمی‌شود، بلکه به بیت‌المال انتقال می‌یابد (رضایی، ۱۳۸۱).

اگر تعزیر به صورت جریمه نقدی باشد، به چند گونه قابل اجراست:

روش اول آنکه حاکم شرع متناسب با مبلغ و مدت تأخیر، متخلفان را جریمه مالی کرده و مبالغ مأخوذ به بیت‌المال و خزانه دولت واریز شود.

روش دوم آنکه دولت صندوقی را ایجاد می‌نماید که کلیه جریمه دیرکردها به دستور محاکم قضایی در آن جمع شده و صرف کارهای خیر و کمک به نیازمندان و بدهکاران معسر شود (القری بن عید، ۱۳۸۴).

روش سوم آن است که دولت صندوقی را در حمایت از طلبکاران تشکیل دهد. این صندوق به وکالت از طرف بانک‌های طلبکار پس از دریافت اسامی بدهکاران و اسناد مالی آنان، بلافاصله معادل بدهی استحقاقی بانک را از محل دارایی خود به آنان پرداخته و سپس از طرف بانک وکیل در وصول اصل طلب و از طرف دولت وکیل در وصول جرائم نقدی می‌شود. بدین ترتیب از یک طرف فرد متخلف جریمه مالی شده و از طرف دیگر بانک بدون تأخیر به طلب خود خواهد رسید.

روش چهارم اینکه دولت و دستگاه قضایی بر اساس قوانین و ضوابط معینی به بانک‌ها اجازه دهند افراد متخلف را متناسب با مبلغ و مدت تأخیر به نفع بانک جریمه کنند (موسویان، ۱۳۸۵).

این راهکارها در عین داشتن نقاط قوت فراوان با یک سری نقاط ضعف نیز مواجه هستند:

با استفاده از راهکار اول و چهارم یعنی اخذ وثیقه و جریمه تعزیر مالی فرد تأخیرکننده، راهکار جدیدی را پیشنهاد نمود. این راهکار موارد ذیل را دربردارد:

۱. با اخذ وثیقه و ضمانت از تسهیلات‌گیرندگان امکان تعقیب قضایی عده‌ای که در تأدیه مطالبات تأخیر و تعویق ایجاد می‌کنند به وجود می‌آید.

۲. در مواقعی که بدهکاران مطالبات بانکی را (اعم از مطالبات جاری و غیرجاری) با تأخیر، تأدیه می‌کنند، جریمه دیرکرد بنا بر حکم تعزیر متخلف از آنان اخذ می‌شود. اصل بدهی پرداختی به بانک‌ها تعلق یافته و جریمه دیرکردها به صندوق دولتی که به این منظور تأسیس شده است، واریز می‌شود. در این راهکار، صندوق از طرف بانک‌های طلبکار وکیل در وصول اصل بدهی و از طرف دولت وکیل در وصول جرائم نقدی دیرکرد می‌شود. صندوق مجاز است حق الوکاله خود را متناسب با هزینه‌های متحمل‌شده جهت احیای بدهی‌ها و جریمه‌های دیرکرد از صندوق برداشت نماید.

۳. صندوق به بانک‌ها اجازه می‌دهد که پس از وصول بدهی‌ها به حساب بانک‌ها و وصول جریمه‌های دیرکرد به حساب صندوق، متناسب با میزان بدهی تأخیرشده و مدت تأخیر از این صندوق وام قرض‌الحسنه دریافت کنند.

۴. می‌توان برای هر فرد تسهیلات‌گیرنده یک کارنامه ایجاد نمود. این کارنامه بیانگر سابقه تسهیلات دریافتی و تأدیه آنان است. بدیهی است که تأخیرات صورت گرفته بر اساس مدت تأخیر و حجم بدهی‌ها موجب ثبت امتیاز منفی در این کارنامه می‌شود. هنگامی که مجموع امتیازات منفی از یک حد معینی بیشتر شد، فرض اخلال نمودن فرد تسهیلات‌گیرنده در نظام مالی و بانکی کشور قوت گرفته و می‌توان وی را مشمول حکم تعزیرات مالی سنگین‌تر دانست. همچنین این کارنامه می‌تواند یک ملاک برای اعطای تسهیلات در مراحل آتی و حتی توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی دیگر باشد. این روش باعث می‌شود که افراد خوش‌حساب و بدحساب از یکدیگر تفکیک شده و مشتریان در تأدیه مطالبات در سررسید و حفظ سابقه و اعتبار کارنامه خود کوشا باشند.

۵. به نظر ضروری می‌رسد که در اوایل شروع به کار این صندوق، اعتباری از سوی دولت به صورت قرض در این

صندوق سپرده شود تا امکان اخذ وام از این صندوق در این دوران فراهم شود. بدیهی است به مرور زمان و با انباشت جریمه‌های دیرکرد، صندوق می‌تواند قرض دولت را پس دهد.

۷. مزایا و نقاط ضعف راهکار پیشنهادی

این پیشنهاد حاوی مزایای ذیل می‌باشد:

۱. در این راهکار جریمه‌های مالی که بر اساس احکام تعزیرات از تأخیرکنندگان دریافت شده است به‌جای حساب طلبکاران مستقیماً به صندوق دولتی واریز شده و شبهه شرعی‌ای باقی نمی‌ماند.

۲. تأخیر مشتریان در تأدیه مطالبات باعث می‌شود که بانک‌ها امکان استفاده از وجوه بدهی به تعداد روز تأخیرشده را از دست بدهند و این زیان و خسارت برای بانک به وجود می‌آورد. اعطای وام قرض‌الحسنه از صندوق مذکور به بانک‌ها متناسب با میزان بدهی تأخیری و تعداد روزهای تأخیری موجب می‌شود که معادل فرصت ازدست‌رفته استفاده از وجوه، دوباره برای بانک‌ها مهیا شود بدون آنکه ربالی از جریمه دیرکردها به تملک آنان درآید.

۳. البته دریافت این وام موجب ایجاد ریسکی برای بانک‌ها می‌شود که نقص پیش‌گفته روش سوم را مرتفع می‌سازد. این ریسک همان ریسک ازدست‌دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری ایده‌آل در فاصله زمانی سررسید بدهی و دریافت وام معادل از صندوق است که موجب می‌شود اولاً بانک‌ها در اخذ وثیقه از مشتریان بیشتر دقت کنند و ثانیاً احتمال ایجاد تبانی میان بانک‌ها و مشتریان کاهش یابد.

۴. در راهکار جبران خسارت تأخیر که با شبهات فقهی توأم است، تنها به اندازه تغییر ارزش پول آن هم در صورتی که این تغییر فاحش باشد، بانک به دریافت خسارت مجاز است. اما در این راهکار جدید فارغ از تغییرات ارزش پول در طی زمان، بانک‌ها می‌توانند با اخذ وام قرض‌الحسنه متناسب با میزان بدهی و تعداد روز تأخیر در تأدیه آن، از وجوه استفاده کنند و منافع ازدست‌رفته را جبران نمایند.

۵. از آنجا که تعقیب قضایی بدهکاران و هزینه‌های دادرسی

منابع و مأخذ

- تسخیری، محمدعلی. (۱۳۸۲). شرط کیفی مالی در بانکداری بدون ربا. فصلنامه فقه اهل بیت، سال نهم، شماره ۳۵، صفحات ۶۳-۷۲.
- رضایی، مجید. (۱۳۸۱). بررسی فقهی - حقوقی جریمه دیرکرد. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۶، صفحات ۲۷-۴۳.
- زرقاء، محمد انس. (۱۴۱۱ق). جبران زیان دیرکرد در بدهی بین فقه و اقتصاد. مجله اقتصاد الاسلامی، ج ۳، صفحات ۲۵-۵۷.
- القری بن عید، محمدعلی. (۱۳۸۴). مشکلات بانک‌های اسلامی و راه‌حل آن‌ها. (غلامرضا مصباحی مقدم، مترجم). فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۲۰، صفحات ۱۵۹-۱۹۰.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه. مجله متین، سال پنجم، شماره ۱۹، صفحات ۲۲-۳.
- موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۴). بررسی فقهی حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران. فصلنامه فقه و حقوق. سال اول، شماره ۴، صفحات ۱۱-۳۸.
- موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۵). بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا. فصلنامه فقه و حقوق. سال دوم، شماره ۸، صفحات ۱۰۵-۱۲۴.
- موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۹). جریمه تأخیر تأدیه (فتاوی مراجع تقلید، قوانین بانکی، مقالات علمی). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- وحدتی شبیری، سیدحسن. (۱۳۸۲). مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه. فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۱۲، صفحات ۹۳-۱۰۹.

توسط بانک‌ها صورت نمی‌گیرد، در اثر این‌گونه هزینه‌ها خسارتی به بانک‌ها وارد نمی‌شود و با کاهش این دسته از هزینه‌ها میزان سودآوری بانک‌ها افزایش می‌یابد.

۶- از آنجا که صندوق دولتی از طریق محاکم قضایی اقدام به پیگیری مطالبات معوق بانکی می‌نماید، بدهکاران ورشکسته و معسر می‌توانند با اثبات اعسار و عدم تقصیر خود در این محاکم قضایی، ضمن بخشودگی جریمه دیرکرد، مشمول قوانین امهال و یا تخفیف بدهی شوند.

۷- صندوق دولتی می‌تواند علاوه بر آنکه به تناسب میزان و مدت تأخیر بدهی‌ها به بانک‌های مربوط وام قرض‌الحسنه دهد، به بدهکاران معسر و ناتوان که اعسار خود را به اثبات رسانده‌اند نیز وام قرض‌الحسنه اعطا نمایند.

از نقاط ضعف این روش آن است که همانند بیشتر راهکارهای قبلی، تشکیل پرونده قضایی برای وصول اصل بدهی به انضمام جرائم دیرکرد، فعالیتی زمان‌بر و مشکل می‌باشد. البته دولت و نظام بانکی می‌توانند با اهرم‌هایی چون سیاست‌های تشویقی و تنبیهی و لحاظ نمودن وضعیت کارنامه مشتریان به منظور اعطای تسهیلات در زمان‌های آتی، افراد را تا حد امکان از تأخیر در تأدیه مطالبات و قضایی شدن امور بر حذر دارند.

مسئله این راهکار پیشنهادی قابلیت اصلاح و تقویت بیشتر را در خود دارد. از این رو امید می‌رود کارشناسان امور پولی و بانکی با ارائه پیشنهادها و نقطه‌نظرات سازنده خود، این راهکار را تکمیل و تقویت کنند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- خبرگزاری ایلنا، ۱۳۸۹/۸/۱ کد خبر: ۱۵۶۸۹۵.
- ۲- روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷/۰۸/۱۲ کد خبر: ۱۳۹۸۰۴ - DEN و روزنامه جام جم ۱۳۸۷/۱۰/۰۷ کد خبر: ۱۰۰۹۵۷۹۸۰۴۵۶.
- ۳- آیین‌نامه وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول مؤسسات اعتباری (ریالی و ارزی)، شماره ۱۵۳۹۶۵/ت/۴۱۴۹۸-۳/۸/۱۳۸۸.
- ۴- در مباحث فقهی این موضوع تحت قاعده «المؤمنون عند شروطهم» مطرح می‌شود.
- ۵- از آنجا که عرفاً برای وصول مطالبات جاری تا هنگامی که به مطالبات غیرجاری تبدیل نشده‌اند، کمتر پیگیری‌های قضایی رخ می‌دهد، احتمال قصد قبلی طرفین برای افزایش دین در مقابل تمدید مهلت تأدیه بسیار بالا می‌باشد. این رویداد به نوعی ربای جاهلی بوده و دارای حرمت شرعی است.
- ۶- البته پاسخی هم به این شبهات داده شده است. به عنوان مثال ر.ک. موسویان ۱۳۸۴.